

شهری اعتمادی

«در زرنج یک اصل هست که برای اینکه در آنجا زنده بمانی و جان و پولت نرود باید رعایت کنی و آن اعتماد نکردن است. مسافركشي، دكانداری، هتلداری و مسافرخانه‌داری و... برای بسیاری در اینجا یک شغل پوششی است. سرو ته کار و کسب اغلب مردم زرنج به یک چیز ختم می‌شود: «قاجاق»؛ چه قاجاق مواد مخدر، قاجاق انسان، قاجاق کالا از سمت ایران و کمی هم از پاکستان.» اینها جملات و توصیه‌هایی است که اگر سر صحبت با راننده‌های اتوبوس یا مسافرانی که چندین بار تجربه سفر قاجاق به ایران را داشته باز شود، از آنها شنیده می‌شود.

اتوبوس‌ها در ترمینال زرنج هر روز صدها نفر از زن و مرد و از بچه‌های ۴ یا ۵ ساله تا جوانان و مردان و زنان میانسال را خالی می‌کنند و ساعاتی بعد با برگشتی‌ها و رد مرزی‌ها پر می‌شوند.

«نورمحمد» با «جهان‌شاه» هم‌ولایتی خود

افغانستان چنگ انداخته و روستاها از مردان جوان خالی شده‌اند. به قول یک بازاری اهل زرنج، جوان افغانستانی در این ۵۰ سال یا اسلحه گرفته مجاهد شده یا طالب شده یا مهاجر؛ کی می‌خوان کشورشان را آباد کنند، خدا می‌داند. در روستای نورمحمد هم که دیگر کمتر جوانی پیدا می‌شد که مانده باشد هم عزم سفر کرده‌اند. حالا او و همسفرش در یکی از رستوران‌های زرنج می‌خواهند قبل از اینکه سوار بر «موتور» قاجاق بر شوند، آخرین قابلی پلوی افغانستان را بخورند و طعم آن را برای همیشه به حافظه بسپارند.

بازار زرنج تکیه‌گاهش بر مهاجران غیرقانونی و مسافران قاجاق، قاجاق برها و رد مرزی‌هایی که معطل فرصت دوباره‌اند، است. رستوران‌ها و دکه‌های کباب‌پزی و دکان‌ها برای قاجاق برها مشتری جور می‌کنند. هرچند مرز، زرنج را از ایران جدا کرده اما جنس‌ها و کالاهای ایرانی بویژه مواد غذایی در دکان‌های زرنج بسیار است؛ از انواع نوشابه‌ها، چیپس و

بفک و بیسکویت تا پنیر و سوسیس و کالباس و... البته کتانی، بوت و کوله و کاپشن و... از پاکستان به زرنج می‌آید. مقصد هر مسافراز آنچه که می‌خرد، معلوم می‌شود. این را اللهیار، دکانداری می‌گویند که کفش کتانی، بوت، جوراب، کمربند، کوله‌پشتی و... می‌فروشد. او به نورمحمد که می‌خواهد کلاه بافتی و دستکش بخرد، پشت سر هم فهرستی از اجناسی را ردیف می‌کند که یک مسافر اروپا باید با خود همراه داشته باشد. اگر بتوانی این بوت‌ها را به تهران برسانی، خرج سفرت هم درمی‌آید.

بازگشت رد مرزی‌ها

به گفته صالح راننده اتوبوس، مسیر زرنج-کابل مسافران رد مرزی‌اش در یک سال اخیر بیشتر از گذشته شده‌اند. «ایران بر مهاجران قاجاق و غیرقانونی افغانستان سخت‌تر گرفته و آنها را برمی‌گرداند.» آنها که برای اولین بار قصد رفتن به ایران دارند مشتاق و حریص شنیدن حرف‌های رد مرزی‌ها و اخراجی‌های ایران به



در روستای سنگ تخت در ولایت بامیان، پا در این سفر به امید رسیدن به اروپا گذاشته است. روستایی کوچک که تا یادش می‌آید، درگیر با مشکل کم‌آبی و راه و بهداشت بوده است. او از روزهایی می‌گوید که به همراه مادر و دو خواهرش زمین کشاورزی‌شان را شخم می‌زدند و جو دیمی می‌کاشتند. با این حال بارش‌های ناچیز و خشکسالی محصول زیادی نمی‌داد. «نورمحمد» می‌گوید به خاطر بی‌نایی بیشتر وقت‌ها شلغم می‌خوردیم. وقتی محصول جو خوب نمی‌شد، سراغ شلغم می‌رفتیم و آن می‌شد غذای صبح و شام‌مان. تب مهاجرت و رفتن سال‌هاست که بر



به گفته صالح راننده اتوبوس، مسیر زرنج-کابل مسافران رد مرزی‌اش در یک سال اخیر بیشتر از گذشته شده‌اند. «ایران بر مهاجران قاجاق و غیرقانونی افغان سخت‌تر گرفته و آنها را برمی‌گرداند.»

افغانستان‌اند. می‌خواهند بدانند که چه کنند تا رد مرز نشوند. قاجاق برها مشتری خود را از ترمینال زرنج صید می‌کنند. بلافاصله پس از پیاده شدن مسافران، گپ‌زدن‌ها، چانه‌زنی و وعده و وعید قاجاق برها با مسافران آغاز می‌شود. «۱۰ میلیون بدهی سه روزه تهرانی. با هزار و ۵۰۰ دلار می‌فرستیم استانبول. اگر رد مرز شدی، خودم اینجا هستم پولت را پست می‌دهم.»

اما کدام رد مرزی پولش را از قاجاق بر پس گرفته؟ این را جمال خان، مرد ۵۰ ساله‌ای می‌گویند که دو بار از ایران رد مرز شده و بار دوم به قیمت مصدومیت پایش تمام شده. «مرزبان‌ها تیرزدند، موقع فرار